ایران

گزارش برگزاری نشستی درباره ابعاد مختلف تمدن ایرانی

بازخوانی هویت ایرانی در عصر جهانی شدن

مقدمه: در عصری که هویت‌های ملی با چالش‌های بی‌سابقه‌ای از جهانی‌شدن تا تهدیدات داخلی و خارجی مواجه‌اند، بازخوانی و بازتعریف مفاهیم بنیادین مانند هویت و تمدن ایرانی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. ایران، این سرزمین کهن با بیش از دو هزار سال تاریخ مستند، امروز در نقطه‌ای حساس از تاریخ خود قرار دارد که نیازمند درک عمیق از ماهیت چندلایه و پیچیده هویتش است. از کتیبه‌های هخامنشی تا شاهنامه فردوسی، از تنوع قومی و زبانی گسترده تا وحدت روحی و فرهنگی، ایران همچون تسبیحی با مهره‌های گوناگون، داستانی ژرف و متنوع از خود ارائه می‌دهد. این پیچیدگی هویتی، در دوران معاصر با چالش‌هایی نوین روبه‌رو شده که فراتر از تجربیات تاریخی گذشته است. از یک سو، تنوع اقوام، زبان‌ها و مذاهب - از کرد و بلوچ تا ترک و عرب، از شیعه و سنی تا زرتشتی و مسیحی - ثروتی بی‌بدیل برای هویت ایرانی محسوب می‌شود، اما از سوی دیگر، همین تکثر در صورت عدم مدیریت صحیح می‌تواند به تهدیدی برای وحدت ملی تبدیل شود. در چنین شرایطی، ضرورت «نونامه‌نویسی» - الهام گرفته از رسالت فردوسی در نو کردن نامه کهن ایرانیان - بیش از پیش احساس می‌شود تا نسل امروز بتواند پاسخی شایسته به نیازهای تاریخی زمانه خود ارائه بدهد. در نشستی که در محل خانه اندیشه‌ورزان برگزار شد، دکتر داریوش رحمانیان، عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه تهران، به تبیین ابعاد مختلف هویت و تمدن ایرانی، چالش‌های مدرن آن و ضرورت بازتعریف این مفاهیم در چارچوبی نوین اما ریشه‌دار در سنت‌های کهن پرداخت.

پیوند عمیق با هویت و تمدن ایرانی

دکتر داریوش رحمانیان، عضو هیات علمی دانشگاه تهران در ابتدا با اشاره به ریشه‌های عمیق علاقه‌اش به هویت و تمدن ایرانی، از تأثیر نام‌گذاری خود و برادرش به نام‌های تاریخی داریوش و کوروش سخن گفت. وی اظهار داشت که این نام‌ها به انتخاب والدینش، همراه با خاستگاهش در شهرهای بروجرد و جهرم - که هر یک با فرهنگ و تاریخ غنی ایران پیوند دارند - علاقه او به تاریخ و هویت ایرانی را از کودکی شکل داده است. او تأکید کرد که این تعلق، ریشه در تجربه‌های زیسته، تحصیل در رشته تاریخ، و مطالعه آثاری چون شاهنامه و ایران در عهد باستان دارد و از یک احساس صرف به یک رسالت آگاهانه برای پژوهش درباره چیستی و چرایی ایران تبدیل شده است. این عضو هیات علمی دانشگاه تهران در ادامه افزود که ایران برای او نه تنها یک کشور، بلکه یک پهنه جغرافیایی، فرهنگی و تمدنی با روایتی ژرف و شگرف است. وی با اشاره به تأثیر متون تاریخی و ادبی و تجربه‌های شخصی در محیط‌های فرهنگی مانند لرستان و جهرم، اظهار داشت که هویت ایرانی فراتر از ناسیونالیسم افراطی، نیازمند درک عمیق و حفاظت است. او با بیان اینکه مطالعه کتاب‌های تاریخی از دوران پیش دانشگاهی تا پژوهش‌های دانشگاهی، حس وظیفه‌ای برای کاوش در مفهوم ایرانیت در او ایجاد کرده، تأکید کرد که ایران به عنوان یک حوزه تمدنی منحصر به فرد، نیازمند مطالعه و صیانت مستمر است.

هویت ایرانی در پرتو تنوع و وحدت

رحمانیان در ادامه با اشاره به پیچیدگی و چندلایگی مفهوم هویت ایرانی، آن را شامل ابعاد ملی، قومی، مذهبی، زبانی و جنسیتی دانست که در تعامل با یکدیگر شکل گرفته‌اند. وی اظهار داشت که هویت ایرانی با تنوع اقوام مانند لر، بلوچ، ترک، عرب و کرد، و مذاهب گوناگون از جمله شیعه، سنی، زرتشتی، مسیحی و یهودی تعریف می‌شود و این تکثر، به‌ویژه در عصر جهانی‌شدن، ویژگی بارز هویت مدرن ایرانی است. او با اشاره به ایرانیان مهاجر که خود را ایرانی-امریکایی می‌نامند، بر اهمیت به رسمیت شناختن هویت‌های چندگانه تأکید کرد. رحمانیان در ادامه با اشاره به مولفه‌های اصلی هویت ملی، از جمله سرزمین، زبان، تاریخ، مذهب و خاطرات مشترک، خاطرنشان کرد که هیچ یک از این مولفه‌ها به تنهایی برای تعریف هویت کافی نیست. وی افزود که مفهوم «ایران‌زمین» یا «ایرانشهر» از دو هزار سال پیش، گستره‌ای از فرارود تا رود فرات را در بر می‌گرفت و ایران را از کشورهای مدرن با هویت‌های برساخته متمایز می‌کند. این استاد تاریخ در ادامه تأکید کرد که زبان فارسی به عنوان حامل فرهنگ و تاریخ نقش کلیدی دارد، اما نباید به قیمت نادیده گرفتن دیگر زبان‌ها و فرهنگ‌های ایرانی باشد. او با انتقاد از گرایش‌های افراطی مانند عرب‌ستیزی یا ترک‌ستیزی، خواستار تعریف هویت ایرانی با احترام به حقوق زبانی، فرهنگی و مذهبی اقوام مختلف شد. وی در ادامه با مقایسه میهن‌پرستی کهن ایرانی با ناسیونالیسم مدرن اروپایی، به تفاوت‌های این دو رویکرد اشاره کرد و گفت که انقلاب مشروطه تلاشی برای تبدیل هویت ایرانی از یک جامعه تاریخی به یک ملت مدرن با شهروندانی برابر بود. با این حال، چالش‌هایی مانند مدرنیته وارداتی و تجزیه سرزمین این فرآیند را پیچیده کرد. رحمانیان افزود که ایران به عنوان چهارراه جهان و گذرگاه ملل، با تنوع قومی و زبانی خود، توانایی هضم این پیچیدگی‌ها را دارد، اما این امر نیازمند گفت‌وگو و تأمل برای بازتعریف هویت ملی در چارچوبی است که هم وحدت ملی و هم تکثر مردمی را حفظ کند.

وحدت در کثرت و پویایی تاریخی

این استاد تاریخ در ادامه با اشاره به ماهیت چندلایه و پویای هویت ایرانی، آن را نتیجه تعامل پیچیده عناصری چون سرزمین، زبان، تاریخ، مذهب و فرهنگ دانست. وی اظهار داشت که ایران، فراتر از جغرافیای فیزیکی خود، مانند کوه‌های البرز و زاگرس یا خلیج‌فارس، یک روایت کهن و ریشه‌دار است که تنوع قومی، زبانی و فرهنگی آن شامل اقوامی چون کرد، بلوچ، ترک، عرب و لر و مذاهبی مانند شیعه، سنی و زرتشتی را به مثابه تسبیحی با مهره‌های گوناگون به هم پیوند می‌دهد. رحمانیان تأکید کرد که این تنوع نه تنها گسستگی ایجاد نمی‌کند، بلکه با نخی نامریی از هویت مشترک، وحدتی یگانه می‌سازد که در لحظات خاص، مانند واکنش‌های جمعی به رویدادهای ملی یا بحران‌ها، به صورت یک روح واحد متجلی می‌شود. وی در ادامه با اشاره به قدمت بیش از دو هزار ساله هویت ایرانی، از کتیبه‌های هخامنشی، اوستا و شاهنامه تا آیین‌های نوروز و عاشورا، خاطرنشان کرد که این هویت در متون، سنت‌ها و مناسک ریشه دارد. او افزود که بر خلاف برخی روایت‌های مدرن که هویت ملی را برساخته‌ای جدید می‌دانند، مفهوم ایران با نام‌هایی مانند آریارمنه یا داستان‌هایی چون آرش کمانگیر، ریشه‌ای عمیق در تاریخ دارد. این عضو هیات علمی دانشگاه تهران در ادامه توضیح داد که این روایت کهن، با وجود فراز و نشیب‌های تاریخی مانند شکست‌ها و پراکندگی‌ها، به دلیل پیوندهای عمیق فرهنگی و تاریخی پابرجا مانده است. وی به سنت‌های ملی و مذهبی مانند شب چله و عید فطر و اشتراکات فرهنگی چون قصه‌های فولکلور اشاره کرد که این هویت را تقویت کرده‌اند. رحمانیان در ادامه با تأکید بر تمایز ایران به دلیل تنوع و غنای فرهنگی، اجتماعی و تاریخی‌اش اظهار داشت که این تنوع، همراه با تجربه‌های تاریخی مانند جنگ‌ها، هجوم‌ها و فراز و فرودها، نوعی حافظه جمعی و منش ملی شکل داده که در ویژگی‌هایی چون مهمان‌نوازی، ظلم‌ستیزی و ایثار نمود یافته است. او افزود که این ویژگی‌ها - که در ادبیات، آیین‌ها و سنت‌هایی مانند شاهنامه، حافظ و روضه‌خوانی ریشه دارند - حتی از طریق فرهنگ شفاهی به ایرانیان بی‌سواد منتقل شده و هویت ملی را تقویت کرده‌اند. این استاد تاریخ در ادامه به چالش‌های نوسازی در ایران اشاره کرد و گفت که بار سنگین تاریخی و سنت‌هایی از فردوسی و حافظ تا معماری و هنر ایرانی، گاه حرکت به سوی مدرنیته را کند کرده، اما همزمان هویتی غنی و پویا ساخته است. وی در ادامه با اشاره به گشودگی تاریخی ایرانیان و تعامل آنها با فرهنگ‌های شرق و غرب، ایرانیان را ملتی جهان‌دیده و صیقل‌خورده توصیف کرد که این پویایی در فرهنگ، فولکلور و آیین‌هایی مانند لالایی‌ها، قصه‌ها و مناسک عزاداری دیده می‌شود. رحمانیان افزود که ایران با تحرک بالای تاریخی، اجتماعی و فرهنگی که در جنبش‌هایی مانند مشروطه، نهضت ملی و انقلاب ۱۳۵۷ نمود یافته، هویتی تاریخ‌مند و انعطاف‌پذیر ساخته که در عین ناپایداری، خلاقیت و چالاکی در اندیشیدن را به همراه دارد. او تأکید کرد که این ویژگی‌ها، همراه با میراث فرهنگی و ادبی غنی، ایران را به عنوان چهارراه تمدن‌ها متمایز کرده و هویت آن را نیازمند بازتعریفی مدرن، اما ریشه‌دار در سنت‌های کهن می‌سازد.

پیوند سنت و پویایی در هویتی چندلایه

دکتر داریوش رحمانیان، عضو هیات علمی دانشگاه تهران در گفت‌وگویی با اشاره به مفهوم چندلایه و پویای هویت و تمدن ایرانی، آن را نتیجه پیوند عناصر تاریخی، فرهنگی، جغرافیایی و معرفتی دانست که ریشه در مفهوم کهن «ایرانشهر» دارد. وی اظهار داشت که این تمدن، فراتر از جغرافیا، روایتی تاریخی و فرهنگی را دربرمی‌گیرد و با تنوع اقوام، زبان‌ها و مذاهب، از طریق سنت‌ها، آیین‌هایی مانند نوروز و عاشورا و متون ادبی چون شاهنامه، هویتی واحد و در عین حال متنوع ایجاد کرده است. رحمانیان افزود که واژه «تمدن» در فارسی، مشتق از ریشه عربی «مدینه» (شهر) با مفاهیمی چون «آبادی» و «آبادانی» پیوند دارد و به یکجانشینی و نظم در برابر کوچ‌روبودن اشاره می‌کند. او تأکید کرد که در عصر جدید، مفهوم تمدن در برابر Civilization قرار گرفته و پایه‌گذار «علم تمدن» شده که با نظریه‌پردازانی چون کارلایل، مارکس و مورگان در قرون هجدهم و نوزدهم توسعه یافته است. وی در ادامه با اشاره به ابعاد مختلف تمدن ایرانی، از جمله بعد سیاسی و حکومتی، معرفتی، فنی و تکنیکی (تخنه) و اعتقادی و جهان‌بینی توضیح داد که بعد سیاسی شامل ساختار قدرت و نظام حقوقی، مانند استبداد، تئوکراسی یا سکولار است که از دوره هخامنشیان تا دوره‌های متأخر با تنوع فرهنگی و قومی همزیستی داشته است. این عضو هیات علمی دانشگاه تهران در ادامه به بعد معرفتی تمدن ایرانی اشاره کرد و گفت که چهره‌هایی چون ابوعلی سینا، فارابی و خیام غنای فکری ایران را نشان می‌دهند که تحت تأثیر تعامل با اسلام و فرهنگ‌های دیگر شکوفا شده است، هرچند برخی مانند آرامش دوستدار از «امتناع تفکر فلسفی» در فرهنگ ایرانی سخن گفته‌اند. او افزود که بعد فنی، شامل هنر، معماری و سازه‌های آبی مانند تمدن کاریزی، از سوی برخی به عنوان بنیان تمدن ایرانی شناخته شده و بعد اعتقادی نیز با دین، مذهب و آیین‌هایی چون زرتشتی‌گری و تشیع، هویت ایرانی را تقویت کرده است. رحمانیان به نظریه «اسلام ایرانی» هانری کوربن اشاره کرد که نقش ایران در شکل‌دهی به شخصیت‌های علمی و فکری برجسته را برجسته می‌سازد. رحمانیان در ادامه با نقد دیدگاه‌هایی مانند «روح ایرانی» در برابر «روح سامی»، «استبداد ایرانی» (آرامش دوستدار) و «زوال عمومی» (سیدجواد طباطبایی) اظهار داشت که کلان‌روایت‌هایی چون شیوه تولید آسیایی یا شرق‌شناسی بومی خطر ساده‌سازی تاریخ پیچیده ایران را دارند. وی تأکید کرد که رویکرد تاریخ‌خرد و مردم‌نگاری که بر جزییات، فرهنگ مردم، آیین‌ها و فولکلور مانند قصه‌های محلی چون ماه‌پیشونی تمرکز دارد، هویت ایرانی را بهتر معرفی می‌کند. این استاد تاریخ در ادامه افزود که این رویکرد، با نقد شرق‌شناسی بومی و تأکید بر تکثر و تنوع، به بازتعریف هویت و تمدن ایرانی در چارچوبی مدرن و ریشه‌دار در سنت کمک می‌کند. او ایران را با تحرک تاریخی و فرهنگی بالا، مانند تسبیحی با مهره‌های گوناگون توصیف کرد که هویتی منسجم و در عین حال متنوع ساخته است.

چالش‌های مدرن و ضرورت نوسازی تمدنی

رحمانیان در ادامه اظهار داشت که این هویت با وجود پراکندگی و تنوع اقوام، زبان‌ها و مذاهب، از طریق یگانگی میهن‌گرایانه و سنت‌های مشترک، وحدتی منحصربه‌فرد ایجاد کرده است. وی با اشاره به ورود ایران به عصر جدید تأکید کرد که این هویت چندلایه با چالش‌های نوینی مواجه شده که نیازمند ابزارهای مفهومی، نظری، دانش، معرفت و زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مدرن است. رحمانیان هشدار داد که این زیرساخت‌ها هنوز به طور کامل شکل نگرفته‌اند و یکی از کلیدی‌ترین مسائل، دوگانه مردم و ملت است که در صورت عدم طراحی درست نهادهای مدنی، اجتماعی و فرهنگی، می‌تواند به تعارضی عمیق منجر شده و کشور را به سوی فروپاشی یا جنگ‌های داخلی سوق بدهد. او افزود که دشمنان خارجی ممکن است از تکثر ایران علیه وحدتش سوءاستفاده کنند، خطری که با اراده خارجی می‌تواند به فعلیت برسد. وی در ادامه با اشاره به غلبه فن‌سالاری و تکنوکراسی بر نظام مدیریتی و معرفتی، اظهار داشت که این روند به ناشایسته‌سالاری پنهان و بحران مدیریت انجامیده است. این عضو هیات علمی دانشگاه تهران در ادامه توضیح داد که نظام دانشگاهی تحت سلطه تکنوکرات‌ها قرار دارد و حضور علوم انسانی در آن کمرنگ است. او برای تحلیل مشکلات، به یک دستگاه پنج‌سویه اشاره کرد که شامل معرفت و عقلانیت، مدیریت، سیاست و حکومت، منش و معنویت، معیشت و اقتصاد و کیستی و هویت است. رحمانیان تأکید کرد که این حوزه‌ها در تعامل با یکدیگر هستند و برای فهم چالش‌های هویتی و تمدنی ایران باید به صورت یکپارچه بررسی شوند. رحمانیان در ادامه با اشاره به یکی از ابرچالش‌های کنونی، یعنی هدف قرار گرفتن روایت و مفهوم ایران توسط بیگانگان، خاطرنشان کرد که این روایت شالوده هویت ایران را تشکیل می‌دهد. وی افزود که بر خلاف گذشته، که مهاجمان در نظام روایتی کهن ایرانی زیست می‌کردند و خود را با عناوینی چون کیخسرو و دارا تعریف می‌کردند، امروز گروه‌هایی مانند پان‌ترکیست‌ها و پان‌عربیست‌ها این روایت را نشانه گرفته‌اند. او تأکید کرد که تکیه صرف بر سرمایه‌های فرهنگی گذشته مانند فردوسی، حافظ و سعدی کافی نیست، زیرا چالش‌های مدرن بی‌سابقه‌اند و نیازمند فردوسی‌های جدیدی هستیم که بتوانند به نیازهای تاریخی امروز پاسخ بدهند. این عضو هیات علمی دانشگاه تهران در ادامه به مفهوم «نونامه‌نویسی» اشاره کرد که از رسالت فردوسی در نو کردن نامه کهن ایرانیان الهام گرفته است. وی اظهار داشت که فردوسی نامه پراکنده ایرانیان را گرد آورد و داستان کهن را نو کرد، و امروز نیز باید نامه ایران بازنویسی شود تا به چالش‌های نوین پاسخ بدهد. رحمانیان افزود که بدون این نوسازی روایی، حتی نوسازی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ناقص خواهد ماند. او احیای هویت و تمدن ایرانی - اسلامی نوین را به معنای بازسازی یا بیداری دانست که بستگی به تعریف و انگیزه‌های آن دارد، اما ایران از عصر قاجار در این مسیر بوده و این روند می‌تواند با اراده‌ای آگاهانه به نتیجه برسد. رحمانیان در پایان با ابراز خوش‌بینی خودخواسته و روشمند نسبت به آینده، تأکید کرد که این خوش‌بینی با نادیده گرفتن خطرات، مشکلات و چالش‌ها همراه نیست، بلکه بر اراده کنش اصلاحگری تمرکز دارد. وی این رویکرد را از امیدآفرینی کاذب متمایز دانست و اظهار داشت که باید بیماری‌ها و دردها را شناخت، اما به درمان امیدوار بود. او هشدار داد که اگر زیرساخت‌های لازم فراهم نشود، هویت مردمی و ملی در معرض فروپاشی عمدی قرار می‌گیرد. این استاد تاریخ افزود که تاریخ ایران با فراز و فرودها و پیچیدگی‌هایش نباید به روایت‌های یک‌جانبه مانند هزار سال خواب یا زوال تقلیل یابد، بلکه باید با عملکرد درست به سوی نوسازی تمدنی حرکت کرد.

راز پایداری در قلب تاریخ

هویت و تمدن ایرانی، به عنوان یکی از کهن‌ترین و پویاترین نظام‌های فرهنگی و اجتماعی جهان، ریشه در شبکه‌ای پیچیده از پیوندهای زیستی، روانی، اجتماعی و فرهنگی دارد که در طول هزاره‌ها پایداری و تداوم خود را حفظ کرده است. این تمدن، با تکیه بر مفاهیمی چون «مهر»، دادگری و تجارت صلح‌جویانه، نه‌تنها توانسته است از گزند گسست‌های سیاسی و تهاجمات خارجی مصون بماند، بلکه با ایجاد روابط هم‌سطح و مبتنی بر اراده آزاد، هویتی جمعی را شکل داده که ایرانیان را در گستره‌ای وسیع از شبه‌قاره هند تا آناتولی به هم پیوند داده است. ویژگی‌های منحصربه‌فرد این تمدن، از جمله مقاومت در برابر فتح بیگانگان، حمایت از شبکه‌های تجاری مردمی و نظام قضایی کارآمد، آن را از دیگر تمدن‌های جهانی متمایز کرده و به عنوان الگویی از پایداری و انعطاف‌پذیری در برابر چالش‌های تاریخی مطرح ساخته است. دکتر شروین وکیلی، پژوهشگر برجسته مسائل ایران، در گفت‌وگویی که در محل خانه اندیشه‌ورزان برگزار شد، به تبیین مفاهیم هویت و تمدن ایرانی پرداخت و لایه‌های مختلف تمدن را تشریح کرد.

مسیر شناخت هویت ایرانی

شروین وکیلی در ابتدا با اشاره به ریشه‌های عمیق علاقه‌اش به هویت ایرانی، اظهار داشت که این دلبستگی از کودکی در وجودش شکل گرفته و به‌صورت طبیعی با فرهنگ، تاریخ و مردم ایران گره خورده است. وکیلی در این باره گفت: «از همان کودکی، با خواندن حافظ و شاهنامه، گوش دادن به موسیقی ایرانی و تماشای زیبایی‌های این سرزمین، حس عمیقی از وابستگی به ایران در من شکل گرفت. این علاقه انگار بخشی از وجودم بوده و به‌صورت نهادینه در من ریشه دوانده است.» وی در ادامه با اشاره به مسیر تحصیلی و پژوهشی خود، توضیح داد که دغدغه اصلی‌اش در ابتدا حول محور ماهیت حیات و خودآگاهی بوده است. او که در دبیرستان رشته ریاضی خوانده بود، به سمت زیست‌شناسی، جانورشناسی و عصب‌شناسی گرایش پیدا کرد و کارشناسی ارشد خود را در رشته عصب‌شناسی به پایان رساند. وکیلی افزود: «در اواخر دهه ۷۰، حدود سال ۱۳۷۸، تصمیم گرفتم به جامعه‌شناسی روی بیاورم تا بتوانم هویت و خودآگاهی را در بستر اجتماعی عمیق‌تر بررسی کنم. خودآگاهی به کنش‌های نمادین و نظام‌های زیستی-اجتماعی وابسته است و این موضوع من را به سمت مطالعه زبان و حافظه کشاند.» مدیر گروه جامعه‌شناسی تاریخی انجمن جامعه‌شناسی ایران در ادامه با تأکید بر اهمیت شناخت ایران برای فهم جوامع انسانی، اظهار داشت: «ایران به‌عنوان قدیمی‌ترین و پیچیده‌ترین جامعه در جهان اسلام، نقشی کلیدی در درک جوامع انسانی دارد. بدون شناخت ایران، درک جامعی از جوامع انسانی ممکن نیست، اما فهم عمیق ایران می‌تواند به درک بهتر سایر جوامع کمک کند.» وی این دغدغه را هم عاطفی و هم عقلانی توصیف کرد و گفت: «از یک سو، این علاقه عاطفی است، زیرا عزیزانم در ایران هستند و پایداری و رفاه این سرزمین برایم اهمیت دارد. از سوی دیگر، این موضوع یک جریان عقلانی است که با روش‌های نظام‌مند علمی، از جمله عصب‌شناسی و جامعه‌شناسی، به بررسی هویت و خودآگاهی می‌پردازد.» وکیلی همچنین به نقش زبان و حافظه در شکل‌گیری هویت اشاره کرد و تأکید داشت که برای فهم دقیق این مفاهیم، باید رویکردی علمی و سخت‌گیرانه اتخاذ شود. او با اشاره به ضرورت تلفیق دیدگاه‌های عصب‌شناسی و جامعه‌شناسی، اظهار داشت: «برای درک عمیق هویت و خودآگاهی، باید به‌صورت عینی و با استفاده از ابزارهای علمی به این موضوع نگاه کنیم تا فرآیندهای واقعی شکل‌گیری هویت را درک کنیم.»

شبکه‌ای از پیوندهای فرهنگی و اجتماعی

این پژوهشگر مسائل ایران در ادامه با اشاره به تعریف هویت به عنوان نظامی از رمزگذاری که شباهت‌ها و تفاوت‌های گروهی را مشخص می‌کند، اظهار داشت: «هویت فرآیندی است که از طریق نمادها و نشانه‌ها، افراد یک گروه مانند ایرانیان را به هم پیوند داده و آنها را از سایر گروه‌ها متمایز می‌کند. این شبکه رمزگذاری، مفهوم «من» را به «ما» تبدیل کرده و هویت جمعی را شکل می‌دهد.» وی در ادامه با اشاره به مفهوم تمدن در چارچوب نظریه زروان، توضیح داد: «تمدن از چهار لایه زیستی، روانی، اجتماعی و فرهنگی تشکیل شده که هر یک رفتار خاص خود را دارند. این لایه‌ها در یک سیستم سلسله‌مراتبی قرار دارند و زمان نقش محوری در ایجاد پیچیدگی آنها ایفا می‌کند.» مدیر گروه جامعه‌شناسی تاریخی انجمن جامعه‌شناسی ایران در ادامه با تأکید بر تعریف جامعه‌شناختی تمدن، افزود: «تمدن به عنوان بزرگ‌ترین نهاد اجتماعی، شبکه‌ای از شهرها و راه‌هاست که زیست جهان مشترکی را از طریق رمزگذاری پدیده‌هایی مانند سبک زندگی، ادیان و هنر ایجاد می‌کند. در حال حاضر، تنها سه تمدن فعال ایران، چین و اروپا وجود دارند که هر یک مقیاس جغرافیایی و زمانی عظیمی دارند.» وکیلی همچنین با اشاره به جایگاه تمدن ایرانی، خاطرنشان کرد: «تمدن ایران از طریق فرهنگ و تجارت گسترش یافته و بر شبه‌قاره هند تأثیرات عمیقی گذاشته است. بر خلاف تمدن‌های اروپایی که تمدن‌های دیگر را منقرض کرده‌اند، تمدن ایران هیچ تمدنی را نابود نکرده و از طریق تعاملات فرهنگی توسعه یافته است.»

تمدن ایرانی در پایداری و تجارت

وی در ادامه با اشاره به مقاومت تاریخی تمدن ایران در برابر فتح بیگانگان، اظهار داشت: «وسعت جغرافیایی و تنوع اقلیمی ایران، با قلمرویی حدود ده میلیون کیلومتر مربع و کوه‌ها و کویرهای صعب‌العبور، این سرزمین را غیرقابل فتح کرده است. حتی در دوران استعمار، مرکز ایران از دسترس بیگانگان مصون ماند.» وی در ادامه با اشاره به نقش شبکه‌های تجاری در تمدن ایرانی، توضیح داد: «راه ابریشم، که در واقع شبکه‌ای تجاری تحت مدیریت ایرانیان بود، از بدخشان تا سومر و آناتولی امتداد داشت و با کاروان‌های عظیم، تجارت کالاهایی مانند لاجورد را ممکن می‌ساخت. این شبکه‌ها به‌صورت مردمی و با ماهیتی صلح‌جویانه شکل گرفته بودند.» مدیر گروه جامعه‌شناسی تاریخی انجمن جامعه‌شناسی ایران در ادامه با تأکید بر حمایت دولت‌های ایرانی از تجارت، افزود: «دولت‌های ایرانی بر خلاف مرکز بسیاری از تمدن‌ها بر راه‌های جنگی، از راه‌های تجاری حمایت می‌کردند. این حمایت، طبقه تجار مستقلی را تقویت کرد که در مناطق مختلف از چین تا آفریقای شرقی فعالیت داشتند و نقش کلیدی در گسترش فرهنگ و تجارت ایفا کردند.» وکیلی همچنین با اشاره به نظام قضایی و مالکیت در تمدن ایران، خاطرنشان کرد: «حق مالکیت خصوصی به‌طور سیستماتیک به رسمیت شناخته می‌شد و قضاوت به‌صورت مردمی و از پایین به بالا انجام می‌گرفت. اسناد تاریخی نشان‌دهنده احترام به مالکیت خصوصی و کارآمدی نظام قضایی است که حتی در مقایسه با اروپا، امنیت بیشتری برای تجار فراهم می‌کرد.»

ویژگی‌های متمایز تمدن ایرانی

دکتر وکیلی در ادامه گفت‌وگو با اشاره به قدمت و استمرار تمدن ایرانی به عنوان اولین تمدن شکل گرفته در جهان، اظهار داشت: «تمدن ایران با ایجاد اولین روستاها، شهرها، خط و نظام پولی، از آغاز تا امروز به‌صورت مستمر ادامه یافته و به دلیل نقش تعیین‌کننده افراد در ساختارهای سیاسی و اجتماعی، از دیگر تمدن‌ها متمایز است.» وی در ادامه با اشاره به نبود برده‌داری به معنای رایج در تمدن ایرانی، توضیح داد: «بر خلاف تمدن‌های یونان، مصر یا چین، در ایران طبقه کشاورزی قابل خرید و فروش وجود نداشت. مفهوم غلام و کنیز که اغلب حق مالکیت داشتند، امکان پویایی اجتماعی را فراهم کرد و افرادی مانند سبکتگین یا امیر کبیر از طبقات پایین به تأثیرگذاری تاریخی رسیدند.» مدیر گروه جامعه‌شناسی تاریخی انجمن جامعه‌شناسی ایران در ادامه با تأکید بر غلبه کاروان‌های تجاری بر ارتش‌ها، افزود: «تمدن ایرانی با ارتش‌های کوچک اما تخصصی و شبکه‌های تجاری مردمی، مقاومت بالایی در برابر تهاجمات داشت. دولت‌های هخامنشی و اشکانی نمونه‌هایی از پایداری و اقتدار ناشی از مشارکت مردمی و ساختارهای اجتماعی پیچیده‌اند.» وکیلی همچنین با اشاره به مفهوم دولت ایران‌شهری، خاطرنشان کرد: «دولت ایران‌شهری با تکیه بر دادگری، روابط برنده-برنده و تجارت، از دولت‌های مدرن و اروپایی متمایز است. این ساختار با تأکید بر رضایت مردم و فرهمندی حاکمان، کارآمدی خود را نشان داده و بازگشت به روزرسانی شده آن می‌تواند راه‌حلی برای چالش‌های مدرن منطقه باشد.»

پیوستگی تمدنی ستون‌های هویت ایرانی

این مدرس دانشگاه در ادامه با اشاره به مفهوم محوری «مهر» در تمدن ایرانی، اظهار داشت: «مهر به عنوان ایزد باستانی، پیمان عقلانی و محبت عاطفی را در هم می‌آمیزد و ستون فقرات هویت ایرانی را در ادبیات، عرفان و دین تشکیل می‌دهد. این مفهوم، از روابط همسایگی تا خویشاوندی و حتی الهیات عشق در ادیان ایرانی، تمدن را با پیوندهای اجتماعی مستحکم حفظ کرده است.» وی در ادامه با اشاره به نقش مهر در تمایز تمدن ایرانی از دیگر تمدن‌ها، توضیح داد: «بر خلاف تمدن چینی با محوریت سنت قبیله‌ای یا تمدن اروپایی با ساختار سلسله‌مراتبی و سلطه، مهر در ایران روابطی هم‌سطح و مبتنی بر اراده آزاد ایجاد می‌کند. این مفهوم، که ریشه در تجارت و پیمان‌های اجتماعی دارد، در داستان‌هایی مانند لیلی و مجنون و مفاهیمی مانند دادگری و دروغ‌ستیزی متجلی است و به دفاع جنگاورانه اما صلح‌جویانه از سرزمین منجر شده است.» وی در ادامه با اشاره به پیوستگی تمدنی ایران در چهار لایه زیستی، روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی، افزود: «پیوستگی ایران از طریق ترمیم گسست‌ها از پایین به بالا حفظ شده است. بر خلاف مصر که تمدنش با گسست سیاسی و دینی منقرض شد، ایران با تکیه بر نهادهای اجتماعی مانند خاندان‌ها و شهرهای باستانی، و مفاهیمی مانند زبان و اساطیر، تداوم یافته است. تهدید اصلی، گسست سیاسی از دوره قاجار با مدرن شدن دولت است که نیازمند بازسازی با اعتماد به نفس تمدنی و وام‌گیری گزینشی از مدرنیته است.» مدیر گروه جامعه‌شناسی تاریخی انجمن جامعه‌شناسی ایران در ادامه با اشاره به دوره صفوی به عنوان نمونه‌ای از گفتمان ایران‌شهری، خاطرنشان کرد: «دولت صفوی با دخالت محدود در اقتصاد و حمایت از تجارت، مانند انحصار تجارت ابریشم توسط ارمنی‌ها، و عدم اجبار دینی، مانند جابه‌جایی کردها و ترکمن‌ها بدون تغییر مذهب، به مشروعیت مبتنی بر خدمات عینی پایبند بود. اقدامات شاه عباس، مانند ساخت کاروانسراها و تقویت ارتش، نمونه‌ای از فرهمندی ایران‌شهری است، در حالی که ضعف‌هایی مانند شکست چالدران یا وابستگی به علما در برخی دوره‌ها، شکنندگی‌هایی را نشان داد.»

تهدیدات تمدنی و فرصت‌های بازسازی

وکیلی در ادامه با اشاره به شرایط بحرانی کنونی تمدن ایرانی، اظهار داشت: «تجزیه سیاسی سرزمین ایران به حدود ۳۰ کشور، اشغال نظامی بخش عمده‌ای از این کشورها توسط بیگانگان، و افول سیاست ایران‌شهری، منطقه را در وضعیت بی‌ثباتی قرار داده است. هویت‌زدایی گسترده طی ۲۰۰ سال، با تخریب زبان پارسی، هویت پارسی، تاریخ ایرانی و آثار باستانی، مانند اقدامات داعش و طالبان در نابودی معابد باستانی، تهدیدی جدی برای میراث تمدنی ایران است.» وی در ادامه با اشاره به تأثیر مدرنیته به عنوان یک تهاجم خارجی، توضیح داد: «مدرنیته نه از طریق نهادهایی مانند دانشگاه، بلکه از راه حمله ارتش‌های مدرن روس و انگلیس وارد شد که تلاش برای مدرن کردن ارتش و افول سیاست ایران‌شهری را به دنبال داشت. باور به لزوم مدرنیزاسیون برای جلوگیری از شکست درست بود، اما تقلید کورکورانه از مهاجمان اشتباه. این فرآیند، همراه با نبود نظریه‌پردازان و سازوکارهای تولید فرهنگ، چالش‌هایی جدی ایجاد کرده، اما مقاومت و پایداری تمدن ایرانی همچنان پابرجاست.» وی در ادامه با اشاره به فرصت‌های موجود برای احیای هویت ایرانی، افزود: «افزایش جمعیت منطقه به حدود سیصد میلیون نفر، که یک‌چهارم آنها ایرانیانی با پایبندی به زبان پارسی و تاریخ آن هستند، سرمایه‌ای عظیم است. هوش جمعی مردم منطقه، که طی صد سال اخیر از فریب‌های اولیه استعمارگران مانند انگلیس و بلشویک‌ها توهم‌زدایی شده، همراه با انقلاب رسانه‌ای و فناوری‌هایی مانند اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، امکان ارتباط و تبادل ایده‌ها را فراهم کرده است.» مدیر گروه جامعه‌شناسی تاریخی انجمن جامعه‌شناسی ایران در ادامه با تأکید بر ضرورت تقویت ارتباطات مردمی، خاطرنشان کرد: «محدودیت‌هایی مانند فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی و مسدود کردن اینترنت، که خیانت به فرآیند ترمیم تمدنی است، باید برداشته شود. آزادی شبکه‌های اجتماعی و توسعه نرم‌افزارهای ترجمه زبان‌های قومی می‌تواند گفت‌وگو بین مردمان منطقه، از عرب‌زبان تا ترک‌زبان، را تسهیل کند. این اقدام می‌تواند ظرف یک نسل اتحاد ایجاد کند، زبان پارسی را احیا نماید و مفهوم مهر را به عنوان پیوند دهنده مردمان ایران به سراسر منطقه گسترش دهد.»

مفهوم تمدن و جایگاه تمدن ایرانی

وکیلی در ادامه با اشاره به سوءاستفاده‌های عمدی و غیرعمدی از مفهوم تمدن، اظهار داشت: «برخی به عمد یا از روی ناآگاهی، از کلمه تمدن برای توصیف هر چیز جذابی استفاده می‌کنند. برای مثال، عبارتی مانند «تمدن امارات» به کار برده می‌شود که در آن آثار هخامنشی و متنوع از مناطق مختلف به عنوان تمدن مستقل این منطقه معرفی می‌شود، در حالی که امارات بخشی از تمدن ایرانی بوده و نمی‌توان آن را جدا از این تمدن دانست.» وی افزود: «کشورهایی مانند عربستان سعودی که در قرن بیستم شکل گرفته‌اند، نمی‌توانند ادعای تمدن